

درباره نخستین نظام‌نامه اسباب گفت‌وشنود که با پذیرش آن، ارتباط از راه دور برای مشهدی ها میسر شد

زمان رعد و برق از تلفن فاصله بگیرد!

سیده‌نعمه زینبی‌ا شاید خواندن یک قرارداد تلفن آن قدر جذاب و درخور توجه نباشد. اما اگر به حدود نود سال پیش و به روزهای نخست‌ی که تلفن به خانه مردم مشهد راه یافت برویم، ما جرا کمی فرق می‌کند. آن زمان یک نظام نامه تنظیم می‌شود که قوانین و مقررات استفاده از پدیده تازه‌ای با نام تلفن را میان مردم توضیح می‌دهد. این پدیده در نظر ما ساده، برای مردم آن زمان بسیار پیچیده بود و استفاده از آن به راحتی برداشتن یک گوشی تلفن نبود. امروز روزی است که گراهام‌بل توانست نخستین ارتباط تلفنی را برقرار کند. به همین مناسبت به سراغ نظام‌نامه‌ای رفته‌ایم که برای استفاده از نخستین خطوط تلفن در شهر مشهد نگاشته شده است. مرور این نظام نامه، ما را با جزئیات تلفن‌کشی و مصائب سال‌های نخست ورود آن به مشهد، آشنا می‌کند.

● فرمان تلفن مشهد

صدور فرمان واگذاری تلفن مشهد به منشورالملک، یکی از آن اتفاقات خجسته‌ای بود که در سال ۱۳۲۰قمری و در ماه شوال افتاد. در این فرمان آمده است: «چون محسنتان کثیر شعبه تلفون(تلفن) در ممالک محروسه ایران در خاکپای مهراعتلای اقدس همایونی، مشهود و مکتشف است، لذا بر حسب این فرمان مبارک، امتیاز احداث تلفون در شهر مشهد و اطراف را به حساب عمده‌الامرا نظام منشورالملک، کارپرداز عشق آباد مرحمت فرمودیم... هرچه ممکن است، زودتر به ایجاد و استقرار در تلفون شهر مشهد مقدس و اطراف آن اقدام نموده...».

این فرمان را می‌توان از سیاهه‌ای که از روی فرمان اصلی در تاریخ ۲۶دی سال ۱۳۱۳تظیم شده است، فهمید. اصل مدرک در آرشیو دایره امور تلفن وزارت پست و تلگراف و تلفن نگهدار می‌شده و رضاقلی مهرپور، رئیس دایره تلفن، آن را امضا کرده است. این رونوشت برای ارائه به بلدیّه و دیگر سازمان‌هایی که به آن نیاز دارند، صادر شده است. به‌همراه این امتیازنامه، نظام‌نامه استفاده از تلفن را نیز والی ایالت خراسان و سیستان به بلدیّه مشهد می‌فرستد. نظام‌نامه یادشده در ۳۶بند تنظیم شده و قوانین داشتن یک خط تلفن را بیان کرده است.

برای مرور نظام نامه، شاید هیچ چیز بهتر از این نباشد که به سراغ متن اصلی آن برویم. برای معرفی تلفن به افرادی که تازه با این پدیده آشنا شده‌اند، در آیین‌نامه‌ای که برای بهره‌برداری از خط تلفن در مشهد نوشته شده، آمده است: «تأسیس این اداره برای این است که اوقات گران بها به طی مسافتات بیهوده، تلف نشود و اسباب راحتی نوع فراهم گردد. دارنده یک دستگاه تلفون به آن واحد، می‌تواند بدون حرکت و صدمه از باران و سرما و گرمای بمودن راه‌های دور و اتاف عمر عزیز، نقاط مختلفه استعمال نموده، مثلاً با نقطه که هر نقطه تا نقطه دیگر نیم فرسخ مسافت دارد، در ظرف ۱۰دقیقه استخبار نماید».

● مقررات اولیه خرید یک خط تلفن

ماده یک نظام نامه، ما را با تلفن‌های نخستین آشنا می‌کند. دارندگان تلفن نمی‌توانند مستقیم با مخاطب ارتباط بگیرند و باید شماره مخاطب مد نظرشان را به مرکز اعلام کنند تا کارمند آنجا آن شماره را بگیرد و آن‌ها را به مقصدشان وصل کند. سیم تلفن میان دوایر دولتی و تجاری و اشخاصی که تقاضای تلفن دارند، چه در داخل شهر و چه خارج آن، کشیده می‌شود. با شرطی که در بند ۳ چنین توضیح می‌دهد: «ادارات دولتی و تجاری و اشخاصی که مایل به داشتن تلفون هستند، مقدّمتا باید به رئیس اداره تلفون به جهت وضع دستگاه در عمارت یا حجره تجارتی یا محل ییلاقی، کتابا اعلان نام بفرستند، از هر خانه، مستقیم یک سیم به اداره تلفن کشیده می‌شود. مخارج سیم کشیدن و گذاشتن دستگاه تلفن را اداره برعهده می‌گیرد. اگر محل قرارگیری تلفن از مرکز اداره، فاصله‌اش زیاد باشد و هزینه‌های بیشتری را بر روی تلفن خانه بار کند، رئیس اداره یا صاحب امتیاز مذاکره می‌کند تا توافق جدیدی حاصل



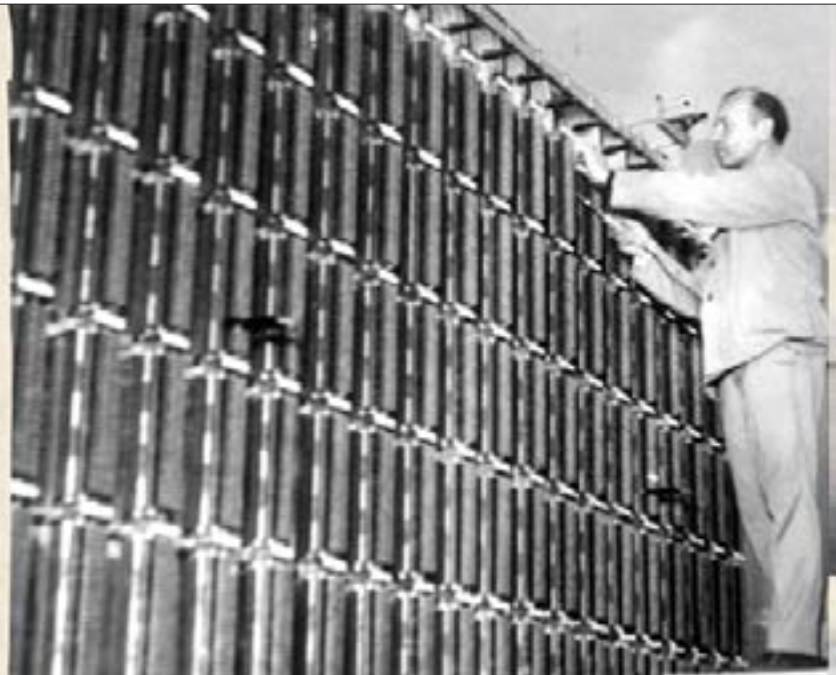
سند فرمان واگذاری تلفن مشهد به منشورالملک

شود. اگر دارنده تلفن بخواهد به یک خط تلفن دو دستگاه تلفن نصب کند، باید به بند ۴ آیین نامه توجه کند: «بر یک سیم که اجاره شده است [امکان دارد تا دو دستگاه تلفون اتصال یابد، اما به شرط اینکه دستگاه ثانوی در جهت مخالف از مرکز اداره تلفون، واقع نشده باشد و میان دستگاه دومی از دستگاه اولی، زیاده بر ششصد ذرع فاصله نباشد».

اینکه دستگاه تلفن در چه محلی قرار بگیرد، به صاحب خانه بستگی دارد و هرجایی که او نشان بدهد، اسباب گفت‌وگو نصب می‌شود. در نوبت اول، مخارج نصب برعهده اداره خواهد بود ولی اگر صاحب خانه هوس کند دستگاه تلفنش را از محلی که نصب شده است به اتاق یا خانه دیگر ببرد، مخارج آن برعهده صاحب خانه است. این ماده نشان می‌دهد که جابه‌جایی دستگاه تلفن به همین راحتی نبوده است. مواظبت از دستگاه و هزینه‌های هرگونه سوءاستعمال را که باعث عیب و نقص تلفن شود، باید صاحب تلفن تقبل کند. قیمت هر دستگاه هم جداگانه از طالبان آن گرفته می‌شود. همچنین براساس ماده ۱۰، اگر در یک محل تلفن برای استفاده چند نفر باشد، باید نام آن‌ها به اداره اعلان شود.

● قوانینی برای رفع مسئولیت

جالب است که مردم حدود ۱۰۰سال قبل هم نگران تبادل اطلاعات از طریق تلفن بوده‌اند و برای آن قانون وضع کرده‌اند: «مخبره نمودن مطالبی که مضامین آن خلاف قوانین دولتی و ملتّی باشد یا عباراتی که منافی با رسم ادب و انسانیت باشد، به‌کلی ممنوع است. در صورت ظهور، مسئولیت آن فقط برعهده شخص قائل است که خلاف قانون رفتار نموده. اداره تلفون به هیچ‌وجه مسئول نخواهد بود». درکنار این ماجرا، اداره تلفن پای خودش را از ماجرای دیگری هم کنار می‌کشد و بندی را به آیین‌نامه‌اش می‌افزاید: «به دارندگان تلفون عرض و اعلان می‌شود که اگر وقتی اتفاقات مذکرات مشترکین دیگر را در تلفون بشنوند، گناه اجزای اداره یا مدیر تصور نفرمایند، در تمام دستگاه‌های تلفون این واقعه روی می‌دهد. شاید مذاکره مطالب مجرمانه



تصاویری از مخازرات مشهد در دهه ۴۰

● نخستین دارندگان تلفن مشهد
پرداخت هزینه پنجاه تومانی سالیانه، مبلغ کمی نیست که به راحتی از عهده هرکسی برنیاید و بنابراین فقط خواص جامعه می‌توانند درخواست چنین امکاناتی را بدهند. صورت دارندگان تلفن در مشهد آن روزگار، نیز چنین واقعیتی را رو می‌کند. سازمان‌ها و ادارات دولتی، افراد صاحب مال، تجارت‌خانه‌ها و بانک‌ها جزو اولین مشتریان تلفن خانه این شهر هستند.

این متقاضیان هرکدام با یک شماره درکنار نامشان مشخص شده‌اند و به نظر می‌رسد که هر فرد برای تماس با آن شخص، باید آن شماره را به مرکز تلفن اعلام می‌کرده است. دارنده نمره یک مشهد، آستان قدس بوده است. دواخانه اطمینان، تجارت‌خانه حاجی یوف، آقا سید حسن موسویان، مریش‌خانه منتصری، مطبعه نور، آقا شیخ محمد تقی سیزواری، گاراژ هند و ناحیه یک کمیساریا، نیز از شماره ۲ تا ۹ را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه این فهرست آمده است: «کاراج خسه، کرلایی غلامحسین توئوئچی، دارالتولیه، قنورچی، حاجی غلامرضای نسیزواری گاراژ کرلایی، مالیه شهری، ثبت اسناد، آطایانس گاراژ پهلوی، اداره بلدیّه، بانک شاهی، شعبه گاراژ صادق زاده، آیت... زاده خراسانی، بانک ملی، بوروپرس، منزل رئیس پلیس، صدرالتجار، اطاق درودی، سرپازخانه امنیه، قونسولگری روس، اداره نقط (نفت)، انبار نفت (نفت)، تلگراف خانه، مهدی خان سوزنی، اداره امنیه، دکتر امین زاده، رئیس التجار، ایالت‌گیری خراسان، بیجارستان رضوی، میرزا محمد قرشی، منزل رئیس بانک ملی، بانک پهلوی، حاجی مهدی تبریزیان، غمخوار، عدلیه اعظم، مطبعه خراسان، مالیه ایالتی، قونسولگری افغانستان، علی یوف گاراژ خیام، اداره نظمیه، کارلج کاویانی، منزل صدرالتجار، شعبه گاراژ خیام، منزل دکتر حسین خان، اداره لشکر شرق، گاراژ خراسان، کمیساریا مرکز، کافه ریحانی گاراژ شرق، نصیر بگف، پستخانه دولتی، انبار نصیر بگف، وهاب‌اف، گاراژ تربت جام، حاجی محمود هراتی، ترک یرت نماینده روس، شرکت امتمع، انبار علیوف، حاجی محمد کمپانی، تاجرباشی، چراغ برق شرق، حاجی علی کارزنی، چراغ برق جعفرزاده، گاراژ سوزنی، کارج خان صاحب، گاراژ غازی زاده، بانک روس، عبدالهیان، فوائد عامه، دواخانه جوهرچی، قونسولگری انگلیس، گاراژ خاله اغلی، معارف، مطبعه طوس، علی اصغراف، دارالشفاحضرتی، باغ فردوسی حاجی نظر

حاجی غلامرضای توئوئنجیان، گمرک، منزل رئیس نظمیه، گاراژ حسینی، کمیسری نادری، گاراژ اطمینان، دکتر حسن خان، اقبال السلطان، کمیساریا بازار، کمیساریا یابین خیابان، اتصالی مرکز، شماره ۱۰۰، دکتر موسی خان، میرزا عابد، دکتر سالاری، اطاق رئیس گمرک، گراند هتل، منزل رئیس تأمینات، منزل میرزای ناظر و انبار نقط (نفت) جنوب»، این افراد از شماره ۱۱ تا ۱۰۸ را اشغال کرده‌اند. در صفحه پایانی آیین نامه نیز، صاحب امتیاز، منشورالملک و مدیرمسئول تلفن خانه خراسان، علی اکبر لاری، دانسته شده است.

یادی از مشهد در نبرد سرنوشت ساز «طُرُق»



رضوی فرستاد و آن دو، موضوع را برامردم در میان گذاشتند و آن‌ها برای حضور در جمع مدافعان دعوت کردند. طولی نکشید که جمع زیادی از

شهر را که با دهان روزه به دفاع از حریم حرم مشغول بودند، به زانو درآورد، اما اجرای هجوم از یک‌بان به اینجا ختم نشد. نیمه‌ماه مبارک رمضان فرا رسیده بود که خبر حرکت از یک‌بان به سمت مشهد، دوباره در شهر پیچید. مدافعان باهم آماده دفاع شدند، اما این بار قضیه فرق می‌کرد. تعداد نیروهای از یک چند برابر هجوم قبلی بود و در این اوضاع نمی‌شد به راحتی قلعه‌بانی کرد. طولی نکشید که خبر رسید از یک‌ها خودشان را به طرق رسانده و روستاهای اطراف را به باد غارت و چپاول داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که تعداد نیروهای مهاجم زیاد است و احتمال دارد دیوار و دروازه‌های شهر تاب مقاومت نداشته باشد.

ایام، ایام شهادت امیرالمؤمنین^(ع) و شب‌های قدر بود. ابراهیم میرزا، حاکم وقت مشهد، پس از مدتی مشاوره و بحث تصمیم گرفت بیرون از دیوارهای شهر با از یک‌بان روبه‌رو شود. او قنبر علی خان استاجلو و صافی‌ولی خان را برای صحبت با مردم به حرم



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوسی‌ام)
سرگذشت شکل گرفتن مدارس علمیه مشهد (قسمت نخست)



مدرسه دودر سال ۱۳۵۲ خورشیدی

مرضیه‌ترایی - مشهور است که امام رضا^(ع) بعد از ورود به شهر مرو، نخستین مدرسه علوم دینی آن خطه را با برگزاری جلسات درس در حوزه‌های گوناگون علمی تأسیس کردند. محل شکل گرفتن این مدرسه، مسجد کاخ مامون، محل سکنای ثامن الحجج^(ع) بود. شهرت علمی امام^(ع)، به ویژه بعد از مناظرات علمی با بزرگان ادیان و مذاهب و پیروزی بر آن‌ها در این مناظره‌ها، توجه عموم مسلمانان را به این ویژگی امام هشتم^(ع) جلب کرد. بنابراین پس از شهادت آن حضرت در آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳قمری و دفن پیکر پاک آن ولی خدا در سرداب کاخ حمیدبن قحطبه در سناباد نوقان، بسیاری از علما و دانشمندان مسلمان، برای بهره‌گیری از فضای معنوی و کمک گرفتن از وجود مقدس آن امام همام، نه فقط به مشهد سفر می‌کردند، بلکه حلقه‌های درس خود را هم در جوار روضه منوره تشکیل می‌دادند.

این اقدام فقط به علمای شیعه محدود نمی‌شد و بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز با تأسیس مدارس علمیه در مشهد -که دست‌کم تا عهد صفوی پایدار بود و برخی از آن‌ها مانند مدرسه «دودر» و «پریزاد»، تا دوران ما دوام یافته است- تلاش می‌کردند از نتحات قدسی بارگاه منور رضوی برخوردار باشند. محل قرار گرفتن این مدارس را در اطراف حرم رضوی، می‌توان در برخی نقشه‌های قدیمی شهر مشهد مانند نقشه‌ای که «ذوالفقارخان مهندس»، در سال ۱۲۸۵قمری (۱۲۴۷خورشیدی) کشیده است، مشاهده کرد.

● حضور شیخ صدوق در مشهد رضوی

درباره شکل گرفتن حلقه درس علمای شیعه در جوار حرم رضوی و مشهد دوره‌های اولیه، اسناد درخورملاحظه‌ای داریم که خوشبختانه در دسترس هستند. مشهورترین این اسناد، کتاب «امالی» شیخ صدوق است که گزارشی از محتوای جلسات درس وی را شامل می‌شود. در این کتاب که ظاهراً شاگردان شیخ تدوین کرده‌اند، وی چنان‌که رسم آن دوره بوده است، به بیان احادیث و شرح سندیت آن‌ها می‌پردازد. می‌دانیم که شیخ صدوق بخشی از عمر خود را برای شنیدن روایات در خراسان و به ویژه مشهد رضوی گذراند. بدینست این نکته را هم اضافه کنیم که این خطه، به دلیل حضور علمایی مانند «کشی» (درگذشته به سال ۳۰۳ تا ۳۴۰ قمری -منسوب و ساکن گکش در منطقه فرارودان)، عالم نامدار شیعه و نویسنده کتاب مشهور «رجال کشی»، یکی از کانون‌های مهم علمی شیعیان اثنی عشری در قرون اولیه اسلامی محسوب می‌شد و چنان‌که بعدالاشاره خواهیم کرد، در مشهد و توس، مدارس علمیه شیعی کم نبودند. شیخ صدوق برای فراگیری و البته تدریس حدیث، بین سال‌های ۳۶۷ و ۳۶۸ قمری به مشهد سفر کرد؛ البته این اطلاعات مربوط به گزارشی است که می‌توانیم در «امالی» ببینیم. اما این احتمال وجود دارد که سفرهای او به مشهد رضوی، بیش از این تعداد بوده باشد، به هر حال شیخ صدوق بعد از سفر به مشهد، در جوار حرم امام هشتم^(ع)، محل اقامت افکند و به تدریس پرداخت.

گزارش مجلس بیست و پنجم کتاب «امالی»، مربوط به درس شیخ در روز ۱۳ ذی‌الحجه سال ۴۶۷ است که در مشهد رضوی برگزار شد و موضوع آن، بررسی احادیث مربوط به فضایل امام رضا^(ع) بود. شیخ چند روز بعد از این جلسه، در روز عید غدیر سال ۳۶۷ قمری نیز در روضه منوره و جوار مرقد مطهر امام رضا^(ع) به تدریس و نقل حدیث پرداخت و مجلس بیست و ششم کتاب «امالی»، شرح درس او در این روز مبارک است که به فضایل امیرمؤمنان^(ع) و خصوصیات روز عید غدیر اختصاص یافته است.

ادامه دارد....



دروازه بانی در مشهد قدیم

سعیده ساجدی‌نیا امشبه به دلیل وجود مزار مطهر حضرت رضا^(ع)، از قدیم شهری مذهبی و محترم بوده است. پرواضح است که وجود این موهبت، سبب ایجاد تفاوت‌هایی در آن با سایر ولایات ایران می‌شده است. یکی از این تفاوت‌ها، وجود مشاغل در این ایام بوده که در دیگر شهرها و آبادی‌ها اصلاً نبوده یا کمتر دیده می‌شده است؛ البته مشاغلی نیز وجود داشتند که علاوه بر ارض اقدس در همه نقاط ایران یافت می‌شدند. در سط‌های بعدی، چند نوع از این مشاغل را معرفی می‌کنیم.

● خرکار

به کسانی که پیشه‌شان جابه‌جایی بار با الاغ بود، خرکار می‌گفتند. تنها وسیله کاسبی خرکارها الاغ بود، از این رو سه چهار رأس الاغ داشتند تا امرارعاش کنند. کار اصلی‌شان حمل و نقل مصالح بنایی از کوره‌ها به محل ساخت وساز و بردن نخاله‌ها به خارج از شهر بود. برخی خرکارها چند پسر بچه خرکار را استخدام کرده بودند تا با بیل دنبال الاغ‌ها راه بیفتند و آن‌ها را به کار گیرند.

● دروازه‌بان

مشهد قدیم هفت دروازه داشت که دروازه بان، مسئول بازوبسته‌کردن در اصلی گذرگاه ورود به شهر و نظارت بر ورود و خروج ها و اجناس بود. شب‌ها در همه دروازه‌ها رامی بستند و مسافران و کاروان‌ها تا اذان صبح باید پشت دروازه می‌ماندند. درآمد این افراد از مجموعا اجناسی بود که از هر کاروان دریافت می‌کردند و می‌فروختند.

● درویش

دراویش در مشهد قدیم با مداحی و ذکر مصیبت در کوچه و بازار امرارمعاش می‌کردند و هدفشان توجه به زندگی اخروی بود. غیر از این دراویش، دراویش با نقوایی هم بودند که باتوجه به اعتقاد اتشان از دنیا کناره می‌گرفتند و به خانقاه می‌رفتند. مرکز این دراویش در مشهد، گنبد سبز بود که آنجا گرده می‌آمدند و درباره خدائشناسی و عرفان، مشاعره و تفکر می‌کردند.

فوتو مشهد